

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی (فلسفه و حکمت اسلامی)

ماهیت علم و ملاک صدق آن از دیدگاه افلاطون و مقایسه آن با  
آراء علامه طباطبائی (ره)

به وسیله‌ی  
سمانه شمس

استاد راهنما  
دکتر علی محمد ساجدی

خرداد ۱۳۸۷



۱۳۸۷ / ۱۶ / ۲۷

۱۰۱۳۹۰

به نام خدا

ماهیت علم و ملاک صدق آن از دیدگاه افلاطون و مقایسه آن با آراء  
علامه طباطبایی (ره)

به وسیله‌ی:

سمانه شمس

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ

درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

الاهیات و معارف اسلامی

از دانشگاه شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه:.....

دکتر علی محمد ساجدی، استادیار بخش الاهیات و معارف اسلامی (رئیس کمیته).....

دکتر سعید رحیمیان، دانشیار بخش الاهیات و معارف اسلامی.....

دکتر لاله حقیقت استادیار بخش الاهیات و معارف اسلامی.....

.....

خرداد ۱۳۸۷

## تقدیم به:

روح پدرم که تمامی لحظات بودنم را مدیون دیوار استوار و پر مهر او بوده ام .  
روح بزرگ مرحوم علامه طباطبایی (ره) ، که آنچه را نوشته ام اقتباس از بیانات  
اوست .

تقدیم به مادرم ، واژه ای به تمام معنی .

تقدیم به شریک زندگی که با بودن او بسیاری از مشکلاتم کم رنگ شد.  
وسرانجام تقدیم به تمامی اساتید و رهروان علم و دانش بخصوص استاد دکتر  
ساجدی .

امیدوارم آنچه را اندوخته ام برای دیگران مثمر ثمر باشد.

## سپاسگزاری

من لم یشکرالمخلوق لم یشکرالخالق

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی امان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد.

به پاس نعمات بی حد پروردگار بر خود لازم میدانم سپاسگزار تمام عزیزانی باشم که در برابر سختی ها و مشکلات این پایان نامه مرا یاری نمودند .

سپاس فراوان از جناب آقای دکتر ساجدی، که همانند پدری دلسوز به عنوان استاد راهنما مرا در تکمیل و تدوین این پایان نامه یاری نمودند.

همچنین سپاس و تشکر از اساتید بزرگوار ، جناب آقای دکتر رحیمیان و سر کار خانم دکتر حقیقت که در نقش مشاور، نهایت لطف و توجه را در حق من ابراز داشتند.

با سپاس فراوان

سمانه شمس

## چکیده

ماهیت علم و ملاک صدق آن از دیدگاه افلاطون و مقایسه آن با آراء علامه طباطبایی (ره)

به وسیله ی:

سمانه شمس

چندگه می‌دانیم در مسأله معرفت و شناخت پرسش‌هایی بنیادین وجود دارد که از دیرباز فیلسوفان و متفکران را به تعمق و تأمل واداشته است. مسأله نظیر امکان شناخت ذات یا ماهیت شناخت، نحوه ی شکل‌گیری معرفت، نحوه ی تطبیق ذهن و عین، اقسام شناخت و... در تحقیق حاضر کوشش به عمل آمده است تا نکات فوق را از نقطه نظر دو فیلسوف مهم و تأثیرگذار در وادی اندیشه‌های فلسفی یکی، از پیشینیان یونان باستان یعنی افلاطون که به عبارتی پدر فلسفه یونان شمرده می‌شود و دیگری، از متأخرین معاصر فیلسوف و متفکر گرانقدر علامه طباطبایی مورد بررسی قرار داده موارد مشابیهت و یا مخالفت آراء آنها را از یکدیگر بازشناسی کنیم. به عبارت دیگر آراء علامه طباطبایی در باب شناخت از یکسو با خوانی آراء معرفت‌شناسی ملاصدرا است و از سوی دیگر ناظر به شبیهات و کنکاش‌های اخیر مابین وعده‌ای از فلاسفه مغرب زمین در باب شناخت است لذا حاصل تلاش در تطبیق و مقایسه آراء این دو فیلسوف چنین است که: حکمت علامه بر این است که علم و ادراک به طور کلی و از هر گونه و نوعی که باشد چیزی جز حکایت و کشف از مورا خود یعنی امر واقع ندارد و این خاصیت از ذات آن جوشیده و گویای مطلقیت از دیدگاه عالم و مدرک است و لذا ناگزیر از وجود مطلق در ظرفی از ظروف نفس الامر که از آن برگرفته شده حکایت می‌کند و همین امر محقق ملاک ارزشمندی جمیع علوم خواهد بود و این حکایتگری و مطلقیت نمایی که از حلق معنای علم برآمده و از آن قبل تشکیل نبوده لری اجتناب ناپذیر است و همچنین حکمت افلاطون مبتنی است بر اینکه محسوسات ظواهرند و نه حقایق و علم به آنها تعلق نمی‌گیرد بلکه محل حدس و گمان هستند و آنچه علم به آن تعلق می‌گیرد عالم معقولات است این نظریه مخصوصاً در باب مثل، پیوند وثیقی با نظریه افلاطون درباره کیفیت علم انسان دارد و با توجه به اینکه عالم دنیا را صرفاً ظهور نمود می‌داند و حقیقت را در عالمی برتر و معقول جستجو می‌کند دستمایه‌های اندیشه عرفانی را فراهم می‌آورد و در سیر تکلمی این اندیشه ملاصدرا بر مبنای تشکیل وجود و اختلاف به نقص و کمال و به عنوان ثمرات اصالت وجود تفسیر تازه‌ای از مثل ارائه می‌کند که چون مثال هر نوع فردی از آن نوع است لذا ماهیت مثل با ماهیت افرادی که مربوطشان به حساب می‌آیند یکی است پس آنچه باعث اختلاف جایگاه آنها شده و آنها را در مرتبه وجود قرار داده به نحوی که یکی اصل و دیگری فرع باشد چیزی جز شدت و ضعف وجودی نیست و طبعاً با اصالت وجود است که شدت و ضعف و اختلاف مرتبه آثار مطرح می‌شود.

به طور کلی از مقایسه آراء این دو فیلسوف نتیجه می‌شود که سنخ علم از سنخ ماده نیست و مبنای شناخت در آدمی بر محور اصالت عقل استوار است چون هر دو به نوعی عقل را منبع شناخت دانسته‌اند ولی افلاطون ابزار شناخت را فقط قوه عاقله می‌داند و معتقد است حواس ارزش ابزار برای شناخت حقیقی ندارند و از نظر علامه حس یکی از ابزار شناخت است و افلاطون خطا را مربوط به حس ولی علامه خطا را مربوط به تطبیق حس و ذهن می‌داند و نیز هر دو در خاصه ی کاشفیت علم و نیز ملاک و معیار تطبیق گروهی ذهن با واقع هم عقیده‌اند.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه ..... ۲
- ۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق ..... ۲
- ۳-۱- هدف تحقیق ..... ۳
- ۴-۱- پیشینه تحقیق (مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی) ..... ۳
- ۵-۱- روش تحقیق ..... ۴
- ۶-۱- سؤالات تحقیق ..... ۵
- ۷-۱- فرضیه تحقیق ..... ۵

### فصل دوم: آراء افلاطون

- ۱-۲- زندگی نامه افلاطون ..... ۸
- ۲-۲- ایده آلیسم ..... ۹
- ۳-۲- مبانی متافیزیکی افلاطون ..... ۹
- ۱-۳-۲- روش دیالکتیک افلاطون ..... ۱۱
- ۲-۳-۲- نقد دیالکتیک افلاطونی ..... ۱۲

۱۳.....	۲-۳-۳-روش عقلانی در فلسفه شناخت.....
۱۴.....	۲-۳-۴-نظریه یادآوری افلاطون.....
۱۶.....	۲-۳-۵-نقد نظریه یادآوری افلاطون.....
۱۶.....	۲-۳-۶-نظریه افلاطون در مورد تصورات کلی.....
۱۸.....	۲-۳-۷-اشکال قول افلاطون.....
۱۹.....	۲-۳-۸-روش ریاضی افلاطون.....
۲۰.....	۲-۳-۹-نقادی شک و یقین.....
۲۱.....	۲-۳-۱۰-اقسام ادراک از نظر افلاطون.....
۲۱.....	۲-۳-۱۱-اقسام وجود از منظر افلاطون.....
۲۲.....	۲-۴--اصالت حقیقت به جای اصالت ظواهر.....
۲۲.....	۲-۴-۱-روش مثالی خارجی یا اصالت نمود افلاطونی.....
۲۳.....	۲-۵-۵-علم از دیدگاه افلاطون.....
۲۴.....	۲-۵-۱-وجود و معرفت.....
۲۶.....	۲-۵-۲-ملاک حقیقت.....
۲۶.....	۲-۵-۳-ارتباط هستی شناسی و شناخت شناسی.....
۲۷.....	۲-۶-نظریه مثل.....
۲۹.....	۲-۶-۱-مثل افلاطون و جایگاه معرفت شناختی آن.....
۳۰.....	۲-۶-۲-رابطه ایده ها با افراد طبیعی.....
۳۰.....	۲-۶-۳-بهره مندی.....



۳۰.....	۴-۶-۱-تقلید.....
۳۱.....	۵-۶-۲-رابطه علی و معلولی.....
۳۱.....	۶-۶-۲-منشأ عقیده افلاطون به مثل.....
۳۳.....	۷-۶-۲-برهان افلاطون بر وجود مثل.....
۳۳.....	۸-۶-۲-ارسطو و نظریه مثل.....
۳۴.....	۹-۶-۲-مخالفت ارسطو با نظریه مثل.....
۳۵.....	۱۰-۶-۲-نظریه مثل و فلاسفه اسلامی.....
۳۵.....	۱۱-۶-۲-ابن سینا و مثل.....
۳۶.....	۱۲-۶-۲-پاسخ ملاصدرا به شبهات ابن سینا.....
۳۷.....	۱۳-۶-۲-نظریه فارابی درباره مثل.....
۳۷.....	۱۴-۶-۲-نظریه میرداماد درباره مثل.....
۳۷.....	۱۵-۶-۲-شیخ اشراق و مثل افلاطون.....
۳۸.....	۱۶-۶-۲-اشکال های ملاصدرا به شیخ اشراق.....
۳۹.....	۱۷-۶-۲-اشکال علامه طباطبایی به شیخ اشراق.....
۴۰.....	۱۸-۶-۲-نظریه صدرالمتألهین درباره مثل.....
۴۱.....	۱۹-۶-۲-دلایل ملاصدرا برای اثبات مثل.....
۴۲.....	۲۰-۶-۲-اشکال علامه به صدرا.....
۴۳.....	۲۱-۶-۲-نقد و بررسی دلایل ملاصدرا.....
۴۴.....	۲۲-۶-۲-تفاوت صور مثالی و برزخی با مثل افلاطونی.....

۲-۶-۲۳- اشکالات بر نظریه مثل ..... ۴۴

۲-۶-۲۴- جواب افلاطون ..... ۴۶

### فصل سوم: آراء علامه طباطبایی (ره)

۳-۱- زندگی نامه علامه طباطبایی (ره) ..... ۴۹

۳-۱-۱- از تولد تا دوره اول تحصیلی ..... ۴۹

۳-۱-۲- دوره دوم تحصیل ..... ۴۹

۳-۱-۳- دوره سوم تحصیلی ..... ۵۰

۳-۱-۴- دوره اقامت در تبریز ..... ۵۰

۳-۱-۵- دوره اقامت در قم ..... ۵۰

۳-۲- از دید گاه علامه (ره) معرفت شناسی چیست؟ ..... ۵۰

۲-۲-۱- نفی ایده آلیسم هستی شناختی ..... ۵۱

۳-۲-۲- بدهت وجود و مفهوم علم ..... ۵۱

۳-۲-۳- تعریف علم ..... ۵۱

۳-۲-۴- حقیقت علم از نظر ملاصدرا ..... ۵۲

۳-۲-۵- نحوه وجود علم ..... ۵۳

۳-۲-۶- ابتکار در اثبات تجرد ادراک ..... ۵۳

۳-۲-۷- ملاک تجرد علم از ماده از نظر ملاصدرا ..... ۵۴

۳-۳- تقسیم علم به حضوری و حصولی ..... ۵۴

۳-۱- همه علوم حصولی به علوم حضوری می انجامد ..... ۵۵

- ۳-۳-۲- دو برهان بر مجرد صورت های علمی..... ۵۵
- ۳-۳-۳- بازگشت علم حصولی به علم حضوری است..... ۵۶
- ۳-۳-۴- علم حصولی و خاصه کاشفیت آن..... ۵۶
- ۳-۳-۵- ملاک یا نحوه تحقق علم حضوری..... ۵۸
- ۳-۳-۶- چگونگی تحقق علم حصولی..... ۵۸
- ۳-۴-۴- تعریف حقیقت و بسط آن و خطا..... ۵۸
- ۳-۴-۱- مراحل ادراک از نظر علامه..... ۵۹
- ۳-۴-۲- کیفیت و مراحل ادراک از منظر علامه..... ۶۰
- ۳-۵-۵- رابطه معرفت شناسی و هستی شناسی..... ۶۱
- ۳-۶-۶- اقسام علم حضوری..... ۶۱
- ۳-۶-۱- دو دلیل بر حضوری بودن علم انسان به نفس خویش..... ۶۲
- ۳-۶-۲- اثبات علم حضوری علت و معلول نسبت به یکدیگر..... ۶۳
- ۳-۷-۷- اقسام علم حصولی..... ۶۳
- ۳-۷-۱- تقسیم علم حصولی به کلی و جزئی و مسائل مربوط به آن..... ۶۳
- ۳-۷-۲- فرع اول..... ۶۴
- ۳-۷-۳- فرع دوم..... ۶۵
- ۳-۷-۴- فرع سوم..... ۶۶
- ۳-۷-۵- تقسیم علم حصولی به تصور و تصدیق..... ۶۷
- ۳-۷-۶- تقسیم علم حصولی به بدیهی و نظری..... ۶۷

- ۶۷..... ۳-۷-۷-اقسام بدیهیات
- ۶۸..... ۳-۷-۸-ام القضايا يا بدیهی ترین قضیه
- ۶۸..... ۳-۷-۹-تقسیم علم حصولی به حقیقی و اعتباری
- ۶۹..... ۳-۷-۱۰-معقولات ثانوی فلسفی
- ۶۹..... ۳-۷-۱۱-معقولات ثانوی منطقی
- ۷۰..... ۳-۷-۱۲-نحوه دستیابی ذهن به مفاهیم اعتباری
- ۷۰..... ۳-۷-۱۳-نحوه انتزاع مفاهیم ذهن یا معقولات ثانوی منطقی
- ۷۱..... ۳-۷-۱۴-نحوه انتزاع مفاهیم ثانوی فلسفی
- ۷۱..... ۳-۷-۱۵-نحوه انتزاع مفهوم عدم
- ۷۲..... ۳-۸-۸-انواع تعقل
- ۷۲..... ۳-۸-۱-عقل بالقوه
- ۷۲..... ۳-۸-۲-عقل تفصیلی
- ۷۲..... ۳-۸-۳-عقل اجمالی
- ۷۳..... ۳-۸-۴-مراتب عقل
- ۷۳..... ۳-۸-۴-۱-عقل هیولانی
- ۷۳..... ۳-۸-۴-۲-عقل بالملکه
- ۷۴..... ۳-۸-۴-۳-عقل بالفعل
- ۷۴..... ۳-۸-۴-۴-عقل مستفاد
- ۷۴..... ۳-۸-۵-اثبات قوه عاقله برای انسان از منظر ملاصدرا

- ۳-۸-۶- اشکال و حل آن ..... ۷۵
- ۳-۸-۷- علت افاضه کننده صورت علمی بر عقل ..... ۷۷
- ۳-۸-۸- پاسخ به یک اعتراض ..... ۷۷
- ۳-۸-۹- صورت های جزئی را یک جوهر مثالی مجرد افاضه می کند ..... ۷۸
- ۳-۸-۱۰- راه های اثبات وجود صور مفارقه و مثل نوریه از نظر ملاصدرا ..... ۷۸
- ۳-۹-۹- اتحاد علم، عالم و معلوم یا اتحاد عاقل و معقول ..... ۸۰
- ۳-۹-۱- اتحاد علم با معلوم بالذات ..... ۸۰
- ۳-۹-۲- برهان اجمالی بر اتحاد عالم و معلوم ..... ۸۱
- ۳-۹-۳- اشکالات وارد شده بر اتحاد عالم با معلوم حصولی ..... ۸۱
- ۳-۹-۴- اشکال بر اتحاد عالم با معلوم در علم حضوری نفس به خود ..... ۸۲
- ۳-۹-۵- اشکال بر اتحاد عالم با معلوم در علم حضوری علت به معلول و برعکس ..... ۸۲
- ۳-۹-۶- اشکال بر اتحاد عالم با معلوم در علم حضوری دو معلول یک علت ..... ۸۲
- ۳-۹-۷- اشکال دیگر بر اتحاد عالم با معلوم ..... ۸۳
- ۳-۹-۸- پاسخ به اعتراضات یاد شده ..... ۸۳
- ۳-۹-۹- بحث اتحاد عاقل و معقول از نظر ملاصدرا ..... ۸۳
- ۳-۹-۱۰- اصول و مبانی نظریه اتحاد عاقل و معقول ..... ۸۴
- ۳-۹-۱۱- راه های اثبات اتحاد عاقل و معقول ..... ۸۵
- ۳-۹-۱۲- نتایج اتحاد عاقل و معقول ..... ۸۶
- ۳-۱۰- وجود ذهنی ..... ۸۷

- ۸۷.....۱-۱۰-۳- مبحث وجود ذهنی مربوط به ادراکات تصویری است.....
- ۸۸.....۲-۱۰-۳- بداهت وجود علم.....
- ۸۹.....۳-۱۰-۳- اشکال.....
- ۸۹.....۴-۱۰-۳- پاسخ اشکال.....
- ۹۰.....۵-۱۰-۳- انقسام تقسیم به مطلق ونسبی یا نفسی و قیاسی.....
- ۹۱.....۶-۹-۳- جواب اشکال.....
- ۹۱.....۷-۱۰-۳- دو دلیل بر ثبوت وجود ذهنی.....
- ۹۲.....۸-۹-۳- منکرین وجود ذهنی.....
- ۹۳.....۹-۱۰-۳- ابطال قول به اضافه.....
- ۹۳.....۱۰-۱۰-۳- ابطال قول به اشباح محاکی.....
- ۹۳.....۱۱-۱۰-۳- ابطال قول به اشباح غیر محاکی.....
- ۹۴.....۱۲-۱۰-۳- ماهیات ذهنی مندرج در مقوله خارجی خود نیستند.....
- ۹۴.....۱۳-۱۰-۳- نظریه وجود ذهنی از دیدگاه ملاصدرا.....
- ۹۵.....۱۴-۱۰-۳- دلایل اثبات وجود ذهنی.....
- ۹۶.....۱۵-۱۰-۳- حقیقت وجود هرگز به ذهن نمی آید.....
- ۹۶.....۱۶-۱۰-۳- روش اثبات کیفیت وجود کلیات در ذهن.....
- ۹۸.....۱۷-۱۰-۳- اشکالات وارد شده بر نظریه وجود ذهنی.....
- ۱۰۰.....۱۸-۱۰-۳- ملاصدرا و پاسخ به شبهات وجود ذهنی.....

## فصل چهارم: مقایسه آراء افلاطون با آراء علامه طباطبایی

- ۱-۴- ماهیت معرفت ..... ۱۰۳
- ۲-۴- تشکیل معرفت ..... ۱۰۴
- ۳-۴- اقسام معرفت ..... ۱۰۶
- ۴-۴- ابزار و منابع شناخت ..... ۱۰۸
- ۵-۴- مکانیزم خطا ..... ۱۰۸
- ۶-۴- ارزش ادراکات ..... ۱۱۰
- ۷-۴- آیا علم مطابق با واقع است؟ ..... ۱۱۱

### فصل پنجم: جمع بندی و مرور

- ۱-۵- مقدمه ..... ۱۱۵
- ۲-۵- مبانی متافیزیک افلاطون ..... ۱۱۵
- ۳-۵- علم از نظر افلاطون ..... ۱۱۶
- ۴-۵- علم از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) ..... ۱۱۸
- ۵-۵- دلایل اثبات وجود ذهنی از نظر علامه طباطبایی (ره) ..... ۱۲۱
- ۶-۵- اتحاد عاقل و معقول از نظر علامه طباطبایی ..... ۱۲۲
- فهرست منابع ..... ۱۲۴

# فصل اول

## کلیات



## ۱- کلیات

### ۱-۱ مقدمه

مسائل و مشکلاتی که بشر در علوم همواره با آنها روبرو بوده و در صدد حل آنها برآمده است دو دسته می باشد: دسته ای بنیادین و زیربنایی و دسته ای غیر بنیادین. مسائل مربوط به معرفت شناسی از دسته اول به شمار می روند. از جمله مباحث مربوط به این علم، مسأله ماهیت علم یا معرفت، اقسام و مراتب آن و تطابق ذهن وعین، یا کاشفیت علم است که امروزه نیز در محافل آکادمیک تازگی و طراوت خاص خود را داراست و به نوبه خود، مسأله ای است جنجال برانگیز و معرکه آراء متفکران.

هر چند مسائل مربوط به معرفت شناسی در چند قرن اخیر مورد توجه بشر قرار گرفته و بشر به اهمیت آن بیشتر پی برده است و بردامنه مباحث آن افزوده است، ولی از قرون پیش از میلاد نیز این موضوع مورد توجه بوده است و فیلسوفان آراء گوناگونی را در ارتباط با آن اظهار کرده اند. از جمله این فلاسفه افلاطون است که آراء وی در باب معرفت در کتب گوناگون مضبوط است. در قرون جدید نیز فلاسفه و حکماء مسلمان موضوع علم و معرفت را مورد توجه قرار داده اند که از جمله آنها ملاصدرا می باشد.

این فیلسوف مسلمان در آثار گوناگون خود به بررسی ابعاد مختلف معرفت پرداخته است. فلاسفه معاصر و از جمله علامه طباطبایی نیز به تبعیت از ملاصدرا به بحث و بررسی موضوع پرداخته اند.

در این تحقیق برآنیم که مسائل معرفت شناسی را از دیدگاه علامه طباطبایی و افلاطون به بحث نهاده و وجوه مشابهت و افتراق آراء علامه را با آراء افلاطون بیان کنیم. از آنجا که از نقطه نظر هر دو فیلسوف ماهیت علم به حضور بر می گردد هم چنین علم با همه مراتب خیالی، وهمی و عقلی آن موجودی است مجرد نزد مجرد (نفس) و نیز به لحاظ مفیض صور علمیه در نفس و اذهان بشری با آراء افلاطون وجوه مشترک زیادی دارد لیک باید دید وجوه اختلاف این دو دیدگاه که به مبانی آن دو بازگشت می کند چیست؟

### ۱-۲ اهمیت و ضرورت تحقیق

از آن روز که انسان متولد شد شناخت جهان را نشانه گرفت و خرد ورزی در شناخت هستی، همزاد و همراه اوست و تاریخی به درازای اندیشه دارد. بشر گام به گام محیط پیرامون خود را وجهه همت ادراک خود قرار داد و به اندوخته های جدید دست یافت. پس از چندی این سؤال برای بشر مطرح شد که اگر من جهان را می شناسم معرفت خود چیست؟ پیدایش معرفت شناسی مولود تلاش بشر برای شناخت خود مقوله از مقوله علم و معرفت است.

علامه طباطبایی معتقد است که معرفت شناسی وی در فلسفه مبتنی بر رئالیسم (واقع گرایی) است و قادر است آن را اثبات کند و هم از این طریق ایده آلیسم معرفتی را نفی نماید این موضوع در فلسفه از اهمیت بسزایی برخوردار است تا آنجا که اصولاً اعتبار فلسفه از اثبات همین اصل سرچشمه می گیرد و ارزش مباحث و مسائل فلسفه مرهون توجه به این مهم خواهد بود. اینک با موشکافی ماهیت معرفت و علم از دیدگاه علامه و مقایسه با آراء افلاطون می توان به درستی چنین ادعایی دست یافت و آن را دست مایه ای برای نقد مکاتب ایده آلیستی در معرفت شناسی قرار داد.

### ۳-۱ هدف تحقیق

تبیین علم و معرفت به ویژه خاصیت کاشفیت علم از دیدگاه دو فیلسوف مذکور و ریشه یابی آراء علامه (ره) در میان آراء فیلسوفان مشاء و حکمت متعالیه و تعیین جایگاه آن در فلسفه اسلامی و بیان نسبت آن با آراء افلاطون به عنوان رئیس الحکما که دیدگاه وی در زمینه معرفت شناسی با تئوری او درباره عالم مثل ارتباط زیادی دارد. بیان چند تفسیر مشهور از عالم مثل و ربط و پیوستگی آن با معرفت شناسی افلاطون، سرانجام اثبات مکتب رئالیسم در معرفت شناسی فیلسوفان اسلامی.

### ۴-۱ پیشینه تحقیق: (مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی)

با مطالعات و بررسی های انجام شده به طور مستقیم و دقیق تحقیقی در موضوع این رساله یافت نشده است. اما مقاله ها و رساله هایی که به بررسی ابعاد دیگر موضوع پرداخته اند در این مورد نوشته شده است به عنوان مثال رساله ای توسط بی بی زکیه حسینی میرک آبادی در مورد "مثل افلاطون" نوشته شده است، رساله ای دیگر توسط علی اصغر

صنمی کار شده در زمینه "احوال نفس بعد از مرگ در آراء افلاطون" و نظر خاص ملاصدرا در باب معاد می باشد که در بخش اول آن به جریان وارد شدن تناسخ در فلسفه افلاطون و رابطه آن با مثل می پردازد و همچنین رساله ای در زمینه "معرفت شناسی جستاری تطبیقی در مبانی روش شناخت" و "مفهوم شناخت از دیدگاه فلاسفه اسلامی و غربی" کار شده است و کتابی توسط سید محمد انتظام در زمینه "معرفت شناسی افلاطون" نوشته شده است.

برخی از مقالاتی که در این مورد نگاشته شده عبارتند از «معرفت چیست؟» توسط آقای دنسی جانانان در فصلنامه اندیشه دینی نوشته شده یا مقاله ای تحت عنوان «مباحثی در معرفت شناسی» توسط مهدی شریعتی در خردنامه صدرا نوشته شده است. یا مقاله دیگر تحت عنوان «سرچشمه افلاطونی نظریه کلاسیک معرفت» توسط مرتضی فتحی زاده در خردنامه صدرا نوشته شده است. شکی نیست که نظریه مثل یکی از نظریات مهمی است که در محافل علمی یونان به نحو برجسته مطرح بوده است منتها این سؤال مطرح است که آیا قبل از افلاطون دانشمندان دیگری به این نظریه توجه داشته اند و یا اینکه این نظریه از زمان افلاطون مطرح شده است.

اگر چه به یک معنی افلاطون اولین مردی است که نظریه مثل را مطرح کرده اما خاستگاه نظریه مثل افلاطون، عقاید و افکار فیلسوفان قبل از او یعنی سقراط و فیثاغورثی ها و خود فیثاغورث بوده است یعنی ریشه های نظریات افلاطون را می توان در عقاید فیلسوفان قبل از او دنبال کرد. شکی نیست افلاطون از فلسفه فیثاغورث استفاده کرده و در نتیجه تحت تأثیر آن عقاید واقع شده است از سوی دیگر سقراط معلم افلاطون است و عقاید و افکار او نیز بر افلاطون بی تأثیر نبوده است.

از کلمات ارسطو استفاده می شود ریشه های نظریه مثل در افکار و عقاید سقراط بوده است وی سقراط را به عنوان فردی معرفی می کند که نخستین بار اندیشه و فکر را بر تعاریف متمرکز ساخت آنگاه افلاطون از وی پیروی کرد و معتقد شد که تعریف مربوط به چیزهای دیگر غیر از محسوسات است. البته اینکه چرا نظریه مثل به اسم افلاطون معروف شده به این دلیل است که در بسیاری از نظریات علمی، مبتکر آنها فردی است اما دیگری چون به آن سامان می بخشد به نام وی تمام می شود. افلاطون نیز نظریه مثل را با نفوذی که در مجامع علمی زمان خود داشت زنده و نظام فلسفی خود را بر آن پایه ریزی کرد از این رو به نام وی تمام شد.

روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی است و با شیوه تطبیق آراء چند فیلسوف در باب معرفت می‌کوشد تا پاسخ در خوری برای سؤالات تحقیق با چند مسأله مهمی که در قسمت مقدمه طرح بدان اشاره شده یافته و در پی آن برجستگی های نظام معرفتی صدرایی بر سایر نظامات فلسفی و نیز نوآوری های علامه در این زمینه را استخراج نموده به نمایش بگذارد. ضمناً ابزار تحقیق کتابخانه است.

### ۱-۶ سؤالات تحقیق

- ۱- ماهیت علم و شناخت از نظر علامه طباطبایی و افلاطون چیست؟
- ۲- از نظر علامه طباطبایی (ره) و افلاطون نقش هر یک از عقل و حس و شهود در شناخت چیست؟
- ۳- آیا دیدگاه علامه (ره) در باب معرفت، رئالیسم را تأیید می‌کند یا ایده آلیسم؟
- ۴- آیا نظریه علم حضوری علامه و مثل افلاطونی می‌تواند تطابق میان ذهن و عین را تفسیر کند یا نه؟

### ۱-۷ فرضیه تحقیق

- ۱- ماهیت علم از دیدگاه علامه و صدرا یکی است که همان حضور مجرد نزد مجرد است و نزد افلاطون عبارت از تذکر است. به عبارت دیگر افلاطون معتقد است برای هر دسته از اشیاء مثالی وجود دارد که در عالمی برتر از این عالم به سر می‌برند، رابطه مثل با افراد طبیعی رابطه علت و معلول است و معرفت و شناخت از راه مشاهده مثل حاصل می‌شود. افلاطون معتقد است تنها آنچه از مشاهده ایده‌ها حاصل می‌شود معرفت است و آنچه از مشاهده اشیای مادی حاصل می‌شود پندار است نه معرفت.
- ۲- از دیدگاه فیلسوفی چون افلاطون عقل و شهود از جمله ابزارهای شناخت به شمار می‌آیند. لکن از نظر علامه عقل و شهود از منابع شناختند و حس و تجربه حسی ابزار شناخت به شمار می‌آیند. به علاوه از دیدگاه افلاطون حس ارزش ابزاری نیز نداشته و این در حالی است که عقل ابزار شناخت نیز به حساب می‌آید.